

عقب‌گرد در فرایند توسعه یافتگی در کشور

رحیم حمیدی



سیاسی کشور ریاستی انتخاب شد. ریشه آن بر می‌گردد به نوع نگاه گروه‌های قومی به قدرت. در واقع نظام ریاستی انتخاب شدن ریشه در این داشت که باید حاکم سیاسی در افغانستان یک فرد از تبار پشتون‌ها باشد. این نظام باعث شد که گروه‌های قومی دیگر در حاشیه قدرت قرار گیرد. قدرت در دست رئیس‌جمهور پشتون تبار محدود شود. در واقع، نظام ریاستی زمینه تنش و منازعه برای قدرت را میان نخبگان قومی افزایش داد. ریشه‌های سیاست قومی تا حدی زیادی به نظام ریاستی کشور نیز بر می‌گردد که بر مبنای آن گروه‌های قومی دیگر در حاشیه قدرت قرار می‌گیرد (حضور معاونین رئیس‌جمهور در ساختار قدرت سمبولیک است). سیاست قومی تا حدی زیادی منجر به ضعیف شدن دولت نیز شده است. دولت همواره در تقابل با مردم قرار داشته است. تاریخ سیاسی افغانستان تاریخ قتل، کشتار، کله منار شدن است. رابطه حاکم و شهروند رابطه یکسویه بوده است. این تقابل و رابطه یکسویه باعث شده است که مردم هیچ‌گاه تعلق خاطری نسبت به دولت نداشته باشد و دولت را یک پدیده و بار اضافی ببیند که تنها مالیات می‌ستاند. بنابراین، دولت به خاطر ضعف خود و عدم احساس تعلق خاطر مردم به حکومت نقشش در فرایند توسعه یافتگی کشور نداشته است.

خواهت قومی و سیاست قومی تنها در داخل کشور خلاصه نشده است. ادعای پشتونستان و قبول نداشتن خط دیورند از سوی برخی از نخبگان سیاسی عامل شده‌اند بیشتر منجر به گسستگی و ناپیوستگی جامعه افغانستان شده است. نتیجه آن اینکه جزیره‌های قدرت و شبکه‌های قدرت شکل گرفته است که هر یک از شبکه‌های قدرت مردم و حتی منافع ملی را قربانی خواست قومی می‌کند. خواست جمعی مبنای رفتارها و کنش‌های سیاسی آن‌هاست. ۱۵ سال گذشته و شرایط کنونی افغانستان بیانگر این است که نخبگان سیاسی در لاگ و گشته‌های فروتن‌گشته است. برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا از نمونه‌های برجسته آن است. برخی کشورها اما، تجربه متفاوت داشته‌اند. دولت مقتدر باعث توسعه یافتگی کشورها شده است. پس از کنفرانس بن دیدگاه‌ها در مورد توسعه یافتگی افغانستان بر دو محور می‌چرخید. به دیگر سخن، توسعه یافتگی افغانستان را از مجرای خواست نخبگان سیاسی و دولت مقتدر جستجو می‌کرد. اکنون که ۱۵ سال گذشته است، نه نخبگان سیاسی قادر به ایجاد تحول در جامعه افغانستان شده است و نه دولت مقتدر و قدرتمند شکل گرفته است که قادر به پیشبرد پالیسی و سیاست توسعه یافتگی باشد. به صورت مشخص چند

عامل به صورت ویژه در عقب‌گرد جامعه ما نقش برجسته داشته است. اول: در اوائل نسبت به نخبگان سیاسی ما نگاه بیش از حد خوشبینانه وجود داشت. نگاه مبتنی بر اینکه آن‌ها در چارچوب منافع ملی و خواست جمعی حرکت می‌کنند. خواست جمعی مبنای رفتارها و کنش‌های سیاسی آن‌هاست. ۱۵ سال گذشته و شرایط کنونی افغانستان بیانگر این است که نخبگان سیاسی در لاگ و گشته‌های فروتن‌گشته است. برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا از نمونه‌های برجسته آن است. برخی کشورها اما، تجربه متفاوت داشته‌اند. دولت مقتدر باعث توسعه یافتگی کشورها شده است. پس از کنفرانس بن دیدگاه‌ها در مورد توسعه یافتگی افغانستان بر دو محور می‌چرخید. به دیگر سخن، توسعه یافتگی افغانستان را از مجرای خواست نخبگان سیاسی و دولت مقتدر جستجو می‌کرد. اکنون که ۱۵ سال گذشته است، نه نخبگان سیاسی قادر به ایجاد تحول در جامعه افغانستان شده است و نه دولت مقتدر و قدرتمند شکل گرفته است که قادر به پیشبرد پالیسی و سیاست توسعه یافتگی باشد. به صورت مشخص چند

عامل به صورت ویژه در عقب‌گرد جامعه ما نقش برجسته داشته است. اول: در اوائل نسبت به نخبگان سیاسی ما نگاه بیش از حد خوشبینانه وجود داشت. نگاه مبتنی بر اینکه آن‌ها در چارچوب منافع ملی و خواست جمعی حرکت می‌کنند. خواست جمعی مبنای رفتارها و کنش‌های سیاسی آن‌هاست. ۱۵ سال گذشته و شرایط کنونی افغانستان بیانگر این است که نخبگان سیاسی در لاگ و گشته‌های فروتن‌گشته است. برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا از نمونه‌های برجسته آن است. برخی کشورها اما، تجربه متفاوت داشته‌اند. دولت مقتدر باعث توسعه یافتگی کشورها شده است. پس از کنفرانس بن دیدگاه‌ها در مورد توسعه یافتگی افغانستان بر دو محور می‌چرخید. به دیگر سخن، توسعه یافتگی افغانستان را از مجرای خواست نخبگان سیاسی و دولت مقتدر جستجو می‌کرد. اکنون که ۱۵ سال گذشته است، نه نخبگان سیاسی قادر به ایجاد تحول در جامعه افغانستان شده است و نه دولت مقتدر و قدرتمند شکل گرفته است که قادر به پیشبرد پالیسی و سیاست توسعه یافتگی باشد. به صورت مشخص چند

برق؛ از اولویت تا عامل بحران!

مهدی مدبر



۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان در زمان کدام حکومت صورت گرفته است. اکنون این مسئله به یک بحران اجتماعی تبدیل شده است. بحرانی که تاکنون علاوه بر سایر هزینه‌ها، هزینه انسانی نیز داشته است. در تظاهرات اعتراضی جنبش روشنائی نسبت به این مسئله، ۸۶ کشته شدند و بیش از ۳۰۰ نفر دیگر زخمی گردید. این بحران اجتماعی با دادن هزینه انسانی، وارد فاز جدیدی شده است. معترضان همچنان تأکید می‌کنند که اعتراض شان را ادامه خواهند داد و جدی‌تر از قبل خواسته‌های شان را مطرح خواهند کرد. اما حکومت هیچ پاسخی نداد و هیچ نشانه‌ای از تغییر تصمیم حکومت وجود ندارد. معلوم نیست که بحران اجتماعی بر سر مسئله برق به کجا کشانده خواهد شد، آیا بازهم مردم به خیابان خواهند آمد و اگر بیایند آیا نیروهای امنیتی کشور توان تأمین امنیت آنها را خواهند داشت و تکرار فاجعه دهمزنگ جلوبگیری به عمل خواهد آمد؟ آیا حکومت می‌تواند یک تصمیم تاریخی بگیرد و در مقابل خواست هزاران شهروند خود از خود انعطاف نشان بدهد و برق ۵۰۰ کیلوولت را از مسیر اولی آن عبور دهد؟

بدون برق امکان استخراج معادن مناطق مرکزی افغانستان وجود ندارد. استخراج این معادن اهمیت ویژه برای اقتصاد کشور دارد. اما متأسفانه حکومت افغانستان این موضوع را در برنامه هایش در نظر نگرفته است و به آن اهمیت قابل‌نشده است. بسیاری از مردم افغانستان اکنون از اهمیت انرژی برق در زندگی شان آگاه هستند. آنها می‌دانند بدون برق استفاده تکنالوژی و آموزش بهتر وجود ندارد، آنها می‌دانند که بدون برق نمی‌توانند کارخانه‌های کوچک و بزرگ صنعتی را راه‌اندازی کنند تا اقتصاد شان بهبود یابد و از فقر و زندگی فلاکت‌بار نجات یابد. آنها میدانند که بدون برق نمی‌توانند زراعت میکانیزه شده داشته باشند و همچنان فرآورده‌های لبنی شان را نگهداری و به فروش برسانند. بر این اساس آنها انتظار داشتند که بعد از تحمیل محرومیت‌های تاریخی، اکنون ۵۰۰ کیلوولت برق وارداتی اندکی تغییرات در زندگی شان بیابد، اما وقتی خلاف توقع شان مسیر این برق تغییر می‌کند، نمی‌توانند تحمل کنند و به ناچار باید دست به اعتراضات مدنی بزنند تا شاید محرومیت شان پایان یابد.

انتقال داده شود و با اعتراضات مردمی مواجه شد. شرکت فیشر ماستر سراسری برق افغانستان را در سال ۲۰۱۳ سروی و تکمیل کرده بود. بدون تردید برق در انکشاف و توسعه‌ی مناطقی که با شبکه سراسری برق وصل هستند نقش عمده دارد و برای پیشرفت اقتصادی سلاکبان آن مناطق نیز دارای اهمیت است. اما آیا حکومت افغانستان توانسته است که این منبع مهم توسعه‌ی را به صورت متوازن برای همه‌ی ولایت‌ها و مردم افغانستان توزیع کند؟ اعتراضات گسترده‌ی که ناشی از تغییر مسیر لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان است، نشان می‌دهد که حکومت‌های افغانستان در طول تاریخ، منابع انرژی کشور را بصورت متوازن برای شهروندان کشور توزیع نکرده است و بخصوص ولایت‌های هزاره نشین کشور، بصورت کامل از انرژی برق محروم هستند. ولایت‌های همچون بامیان، دایکندی و غور در تاریخ افغانستان حتی یک سب استیشن برق نداشته‌اند و هیچ پروژه انکشافی زیربنایی در این ولایت‌ها راه‌اندازی نشده است. این واقعیت‌های عینی اجتماعی نشانگر این است که حکومت افغانستان توازن و عدالت را در توزیع انرژی در نظر نگرفته است و اکنون شهروندان کشور تاب و توان تحمل بیشتر این محرومیت تاریخی ندارند و دست به اعتراضات گسترده‌ی مدنی زده‌اند. هرچند که ولایت‌های هزاره نشین افغانستان از تمام برنامه‌های انکشافی حکومت محروم بوده است، اما برق یکی از نیازهای اساسی و اولیه زندگی عصری است و بدون آن حتی نمی‌شود سایر برنامه‌های توسعه‌ی راه‌اندازی شود.

برق یکی از نیازهای اولیه و اساسی زندگی امروزی است و بدون آن، پیشرفت‌های کنونی جهان در عرصه‌های تکنالوژی، ایجاد فابریک‌های بزرگ صنعتی و سرویس‌های اطلاع‌رسانی، بوجود نمی‌آید. برق آقدر با زندگی انسانها عجین شده است که تصور زندگی بدون برق، شاید برای خیلی از مردم جهان، یک امر محال باشد. اما در افغانستان متأسفانه هنوز ما از این نعمت بزرگ بطور دایم برخوردار نیستیم. حتی امروزه در گوشه‌های از کشور، می‌توان جاهای را یافت که انرژی برق هنوز در زندگی انسانها راه نیافته است و هنوز هم برهنگین یگانه وسیله‌ی است برای آوردن نور و روشنائی در زندگی.

سیگا؛ بازرس ویژه ایالات متحده آمریکا در آخرین گزارش خود به گانگرس ایالات متحده، گفته است که پس از امنیت برق اولویت دوم مردم افغانستان است. در بخش اول این گزارش که زیر عنوان «کشاکش برق: برقی رسانایی برای افغانستان» نوشته شده، یادآوری شده است که افغانستان پایین‌ترین نرخ برق‌رسانی را در جهان دارد و در این کشور از هر ۳ نفر، ۱ نفر، به شبکه برق وصل است. افغانستان به دلیل سالها جنگ، بسیاری از زیرساخت‌های صنعت برق را از دست داده است و بازسازی و توسعه صنعت برق کشور به سرمایه‌گذاری‌های کلانی نیاز دارد. در گزارش سیگار آمده است که ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۲ به بعد، تقریباً سه میلیارد دلار را در پروژه‌های سکتور برق در افغانستان به مصرف رسانده است. در این گزارش گفته شده است که بانک آسیایی پیش‌بینی می‌کند که آمریکا و سایر کشورهای تمویل‌کننده افغانستان، از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۱۸ برای بازسازی منابع انرژی افغانستان، حدود ۵ میلیارد دلار کمک خواهند کرد. بخش بزرگ از برق افغانستان را برق وارداتی تشکیل می‌دهد. افغانستان این مقدار برق را از کشورهای ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان وارد می‌کند. اما تغییر مسیر بخشی از لین برق وارداتی کشور ترکمنستان از حدود چندین ماه به این سو، با اعتراضات گسترده در افغانستان مواجه بوده است. لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان بر اساس سروی شرکت آلمانی فیشر قرار بود از مسیر بامیان تا میدان وردک به کابل و سایر ولایات انتقال یابد، اما کابینه حکومت وحدت ملی فیصله کرد که این لین باید از مسیر سالنگ به کابل

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

تغییر و بایسته‌های آن

حفیظ الله زکی

افغانستان یک جامعه قبیله‌ای است که مردم آن با وجود قوانین و نظام دموکراسی هنوز از فرهنگ قبیله‌ای اطاعت و پیروی می‌کنند. مردم ما در گذشته به دلیل عقب‌ماندگی، ناآگاهی، فقر، حاکمیت نظام استبدادی و مناسبات ناسالم اجتماعی در دهکده‌ها و روستاها محصور مانده بودند و از تغییرات، تحولات، رشد و توسعه کشورهای دور و نزدیک آگاهی چندانی نداشتند. تمام دنیای شان، قبیله شان بود.

کودتای هفت ثور، منشأ تضادهای و درگیری‌های خونین در کشور گردید. این تضادهای و درگیری‌ها با همه تاوان‌ها و خسارت‌های جانی و مالی که بجا گذاشت، مبدأ و منشأ تغییرات و تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی نیز گردید. جنگ‌های فراگیر، قتل‌بیرحمانه و کشتارهای بدون دلیل، مهاجرت‌های گسترده را به کشورهای خارجی در پی آورد. مهاجرت و آگاهی مردم به پیشرفت‌ها، ساختارها و بافتارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای میزبان، نوع دید آنان را به فلسفه زندگی تغییر داد. تربیت نسل تحصیل‌کرده و پاسود در دنیای مهاجرت؛ روند تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی را سرعت بیشتر بخشید و سرآغاز یک تفکر نوین انسانی بر مبنای اصل عدالت گردید.

ما در دوره جدید سیاسی با مردم خودآگاه سیاسی روبرو بودیم. مردمی که دیگر «شاه را سایه‌خدا» نمی‌دانستند و فقر، عقب‌ماندگی و مرگ میر روز افزون اطفال و زنان شان را به «قضا و قدر» ارتباط نمی‌دادند. در این حالت مردم به چگونگی و بایسته‌های روابط میان حکومت و مردم پی‌برده بودند و عوامل همه بدبختی‌ها و محرومیت‌ها را به مناسبات ظالمانه حکومت با مردم نسبت می‌دادند. از این رو مردم افغانستان در آغاز شکل‌گیری نظام نوین سیاسی بر اصل عدالت، برابری، کثرت‌گرایی و حقوق شهروندی تکیه و تأکید کردند.

در یازده سال تجربه دموکراسی که در آن فضا و زمینه برای تعلیم و تحصیل کودکان و جوانان فراهم گردیده بود، نسل جدیدی با خواسته‌ها و آرزوهای متفاوت در جامعه ظهور کرد. این نسل خودآگاه که بی‌عدالتی، قانون شکنی، حقارت و محرومیت را در زندگی خود تجربه می‌کنند، تاب تحمل را از دست داده و به گونه‌های مختلف برای خلاصی از وضعیت موجود و حذف موانع در محیط اجتماعی تلاش می‌کنند.

این نسل خواهان تغییر در الگوها، باورها، نگرش‌ها و در کل ساختارها و کارکردهای جامعه‌اند. این نسل نمی‌تواند بردگی از خون مدرن آن را در نظامی که دموکراسی را شعار می‌دهند، تحمل کنند. امروزه به دلیل عدم توجه به روستاها و نیز عدم پاسخگویی به نیازمندی‌های محلی و تعلیمی آنها، مردم از دهات به مراکز شهرها هجوم آورده‌اند و این امر موجب افزایش جمعیت در شهرها گردیده است. در شهرها تراکم جمعیت، تضادهای اجتماعی، فقر اقتصادی، قانون شکنی و فساد گسترده موجب ناراضی مردم از روند موجود گردیده و زمینه‌های گسستگی را میان مردم و حکومت از یک سو و میان طیف‌های برخوردار و محروم جامعه از سوی دیگر فراهم آورده است. ساختارهای موجود برای نسل آگاه امروز قابل قبول نمی‌باشد. وقتی برای شکستن و عبور از ساختار موجود، هیچ راهکار منطقی و قانونی وجود نداشته باشد، به ناچار مردم با تظاهرات، سرکشی، نافرمانی و حتا انقلاب ممکن است در برابر فشارهای ساختاری موجود عکس‌العمل نشان دهند.

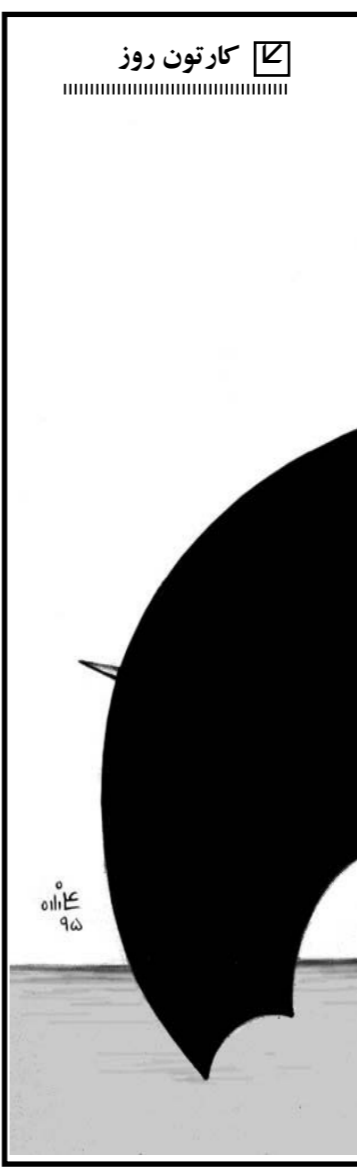
تغییر یک اصل مهم و ناگزیر در زندگی انسان‌ها است. این تغییر در طی یک نسل و با احتمالاً چندین نسل در هر جامعه رخ می‌دهد؛ اما چیزی که در فرایند تغییر مهم، اساسی و کارساز می‌باشد، چند چیز است: اول این که تغییر عمومیت پیدا کند و در ذهن و فکر اکثریت شهروندان نهادینه شود. دوم، تغییر یک روند موقتی و آبی نباشد و آغاز و پایان آن به یک امر موقتی گره نخورده باشد. سوم تغییر باید معقول، برنامه‌ریزی شده و تدریجی و در طی زمان صورت گیرد، تا این تغییر با رهایی از گذشته بیهوده، ما را در رنج عمیق و دوامدار آینده گرفتار نسازد.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله‌یانیگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله‌یانیگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com



بدون شرح

افغانستان
The Daily Afghanistan
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper